

An Analysis of Ulrich Beck's Sociological Approach in Beirut ۷۰ Ghada Al-Saman

Abstract:

The novel Beirut ۷۰ by Ghada Al-Saman is one of the most prominent Arab women writers, published in ۱۹۷۰. The theoretical framework of the study of the novel Beirut ۷۰ Ghada Al-Saman is based on the sociological approach of Ulrich Beck. As one of the social theorists of modernity, Ulrich Beck declares the death of class, collective identity, and traditional structures, and emphasizes the element of individualism. The main finding of the research is that the symbolic characters of the novel, based on Ulrich's sociological theories, have forgotten their social and historical identity and class base and are influenced by the principle of individualism in search of their title in Beirut, their city of aspirations and aspirations.

Keywords: Beirut ۷۰, Ghada Al-Saman, Ulrich Beck, Class, Individualism

واکاوی رویکرد جامعه‌شناختی اولریش بک در رمان بیروت ۷۵ غاده السمان

حمیده آراسته^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

اشرف چگینی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

علیرضا قوجه‌زاده^۳

چکیده:

رمان بیروت ۷۵ نوشته غاده السمان یکی از برجسته‌ترین بانوان نویسنده عرب است که در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسید چارچوب نظری پژوهش بررسی رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر مبنای رویکرد جامعه‌شناختی اولریش بک می‌باشد. اولریش بک به عنوان یکی از نظریه پردازان اجتماعی مدرنیته مرگ طبقه، هویت جمعی و سازه‌های سنتی را اعلام می‌کند و بر عنصر فردگرایی تأکید می‌ورزد. یافته‌های اساسی پژوهش گویای این است که شخصیت‌های نمادین رمان بر اساس نظریات جامعه‌شناختی اولریش بک، هویت اجتماعی و تاریخی و پایگاه طبقاتی خود را به فراموشی سپرده و تحت تأثیر اصل فردگرایی در جستجوی سرنوشت خویش در بیروت شهر آمل و آرزوهایشان می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: بیروت ۷۵، غاده السمان، اولریش بک، طبقه، فردگرایی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه ادبیات غنایی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. hamide.araste1973@gmail.com

^۲ استادیار، گروه ادبیات فارسی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. ashraf_chegini@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه ادبیات فارسی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. Alirezaghojzade@yahoo.com

اولریش بک نظریه‌پرداز اجتماعی مدرنیته و از جامعه‌شناسان برجسته‌ی معاصر آلمان است . « دوره مدرنیته دوره‌ای بوده است که اندیشمندان از منظر تحلیل طبقاتی به جامعه نگاه می‌کردند . مدرنیته به دنبال آن بود که جامعه‌ی یکدست و عاری از تفاوت‌ها و تضادها به وجود آورد و فرد باید با جایگاهی که اندیشه مدرن در جامعه به او می‌بخشید همخوان و هماهنگ باشد . از دیدگاه مدرنیست‌ها ، تقسیم جامعه به طبقات یا قشرهای گوناگون یکی از ویژگی‌های بارز و تقریباً عمومی ساخت اجتماعی است که در طول تاریخ و در تمام جوامع بشری به صورت گوناگون وجود داشته است . » (مسعودنیا ، ۱۳۹۵: ۶-۷)

اندیشمندان و متخصصان علم جامعه‌شناسی در تعریف طبقه اجتماعی از منظرهای متفاوت ، آرای متنوعی ابراز نموده اند . « " طبقه اجتماعی " به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک ، حیثیت ، فعالیت‌های اجتماعی ، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد . » (کوئن ، ۱۳۸۳ : ۱۷۸)

« طبقه مشتمل بر افرادی است که از پایگاه اجتماعی یکسانی برخوردارند و از نظر رفاه و مزایای اقتصادی ، صنعتی مشابه دارند . » (علمی ، ۱۳۸۸ : ۱۰۸)

« برخی نیز جهان ایده‌ها ، ارزش‌ها قدرت و مالکیت وسایل تولید یا نبود آن را مؤثر در تعریف طبقه می‌دانند . » (گوریچ ، ۱۳۵۷ : ۹۳)

« طبقه نه تنها ابزاری برای تحلیل اجتماعی ، بلکه مجموعه شرایط مادی زندگی است که انسان‌ها را در بر می‌گیرد . الگوی موجودیت و هویت اجتماعی آنها را ترسیم می‌کند . » (ربانی ، ۱۳۸۸ : ۲۱۲)

« مارکس ، طبقه اجتماعی را صرفاً گروهی از مردم با موقعیت اجتماعی مشابه در ساختار اقتصادی نمی‌داند . وی تأکید بسیاری بر آگاهی ذهنی به منزله پیش شرط شکل‌گیری طبقه می‌کند . آگاهی ذهنی از منافع طبقاتی ، عنصری ضروری در تحول طبقه اجتماعی است . یکسان بودن وضعیت اقتصادی شرط لازم اما ناکافی برای پیدایش طبقه در خود است . طبقه منبای هویت اجتماعی محسوب نمی‌شود ، بلکه فقط در صورت نیل به آگاهی طبقاتی ، سازمان‌دهی سیاسی و رویارویی با طبقات متخاصم دیگر ، به هویت اجتماعی دست می‌یابد و به طبقه برای خود تبدیل می‌شود . » (ابادزی ، ۱۳۸۱ : ۸-۹)

بک از جمله جامعه‌شناسانی است که در مطالعات خود با اعلام مرگ طبقه هویت‌های جمعی در عصر جدید را زیر سؤال می‌برد . وی معتقد است که نقش‌های فعال و سازنده هویت‌های جمعی و حتی خانواده‌های سنتی در مدرنیته انعطاف‌پذیر دچار انحطاط می‌شوند و افراد بدون وابستگی به هویت‌های جمعی بر سرنوشت خویش مسلط می‌شوند .

فردی شدن یکی از مفاهیمی که در مدرنیزاسیون انعطاف‌پذیر بک نقش اساسی دارد . « بک معتقد است که با تقویت فردگرایی در مدرنیته انعطاف‌پذیر ، جایگاه طبقه از چشم‌اندازهای اجتماعی حذف می‌شود و اشکال اجتماعی و گروه‌های بزرگ جامعه صنعتی به عنوان پایه‌های سازنده هویت اجتماعی تضعیف می‌شوند .

بک عقیده دارد که در مرکز این پدیده ، فرایندی دوگانه وجود دارد ، به طوری که تحت شرایط مدرنیته انعطاف‌پذیر ، افراد از جایگاه‌های ثابت و مشخصی که به شکل تاریخی برای آنها معین شده بود ، جدا شده و سپس درون شیوه‌های جدید و نویی از زیست جهان جای می‌گیرند . » (بک ، ۱۹۹۲ : ۲۸)

نظریات بک تفکری بنیادی را تنظیم می‌کند پیامدهایی که بنیان تشکیلاتی و مشخصه‌های مدرنیته ملی و دولتی را به چالش می‌کشد .

با توجه به رویکرد جامعه‌شناسی اولریش بک در مورد اصل فرد گرایی محور اصلی این پژوهش را این سؤالات تشکیل می‌دهد که :

۱- آیا بیروت را با مد نظر گرفتن آراء و اندیشه‌های بک می‌توان مورد واکاوی قرار داد؟

۲- شخصیت‌های «رمان بیروت ۷۵» را به چه نحوی بانظریات اولریش بک می‌توان منطبق نمود؟

فرضیه پژوهش براین اساس است که با توجه به نظریات اولریش بک درباره دوره مدرنیته با توجه به شرایط موجود بیروت را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد و با درمد نظر گرفتن اندیشه‌های بک در مورد زوال هویت جمعی و شاخص‌های فردگرایی این نظر

یات با شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ منطبق است و می‌توان آن را مورد تحلیل و کاوش قرار داد .

هدف از انجام پژوهش حاضر پاسخ به سؤالات مطرح شده و بررسی صحت و سقم فرضیه‌های تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع و ابزار کتابخانه‌ای است. پیشینه تحقیق:

تا کنون پژوهش جامعه‌شناختی در باب بررسی رمان بیروت ۷۵ غاره السمان صورت نگرفته است با وجود این پژوهش‌ها و مقالاتی در ارتباط با موضوع نگاشته شده است که عبارتند از:

حاجی زاده و ابهن (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاره السمان براساس نظریه کنشگری" تلاش میکنند تا با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، شخصیت رمان بیروت ۷۵ اثر غاره السمان بر اساس الگوی کنش‌گریماس بررسی و تحلیل نمایند.

قاسمی و فرامرزی و ثامری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی "نقد فمینیستی رمان بیروت ۷۵ اثر غاره السمان" می‌پردازند. بهروزی و زارع (۱۳۹۹) به بررسی مناسبات قدرت و ایدئولوژی در رمان بیروت ۷۵ بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی تلاش میکنند که به بررسی عدم توازن قدرت در تبعیض جنسیتی در رمان پردازند.

غاده السمان

غاده السمان نویسنده، شاعر و متفکر سوری در سال ۱۹۴۲ در دمشق از پدر و مادری سوری متولد شد. پدرش احمد السمان، رئیس دانشگاه سوریه و در یک دوره‌ی زمانی وزیر آموزش و پرورش بود. وی شدیداً تحت حمایت پدرش بود مخصوصاً که در کودکی مادرش را از دست داده بود. نخستین کارهای غاده تحت نظارت و تشویق‌های پدرش در نوجوانی به چاپ رسید. احمد السمان با مدرک دکترا در رشته اقتصاد سیاسی از دانشگاه سوریه فارغ‌التحصیل شده بود او همان قدر که به ادبیات عرب دلبستگی داشت با ادبیات غرب هم مأنوس بود. غاده هم تحت تأثیر همین دیدگاه در آثارش به سبکی رسید که خاص خودش بود. وی تحصیلات دانشگاهی را در رشته ادبیات انگلیسی تا مقطع دکترا ادامه داد. مدتی در دانشگاه دمشق به عنوان استاد سخن‌ران کار می‌کرد اما بعد از مدتی برای همیشه از این کار دست کشید و به دنیای مطبوعات روی آورد. او برای نشر آثار خود، یک مؤسسه انتشاراتی تأسیس کرد که تنها آثار خود را منتشر کند و سپس کار روزنامه‌نگاری را برگزید. او در سال ۱۹۶۹ با بشیرالدعوق علیرغم مخالفت‌های خانواده‌اش ازدواج کرد و آن ازدواجی بود که بعد ها رنج‌های بسیاری را برای او به همراه داشت و به خاطر ممانعت‌های همسرش کارشان به طلاق انجامید و باعث شکست عاطفی سختی در غاده شد و همین امر باعث پدیدار شدن روح تمرد در او گردید که به صورتی بارز و آشکار در رمان‌هایش دیده می‌شود. حاصل این ازدواج پسری به نام حازم است. غاده السمان در سال ۱۹۷۶ "به تو اعلان عشق می‌کنم" را به چاپ رسانید که او را به عنوان یک زن نویسنده به جهان معرفی کرد. غاده السمان زنی است که در قصه‌هایش از دردها و رنج‌های مردم لبنان سخن رانده است و با هویت

زنانه‌اش اشعاری فصیح و ساده را با درون مایه ای منحصر به فرد به جهان تقدیم کرده است. "کوچ بند رهای قدیمی" اثر دیگر وی که در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید.

دهمرده غاده السمان را چنین توصیف می‌کند. شاعر سوری غاده السمان، با حضور فعال و پویای خود در عرصه نویسندگی و شاعری، به عنوان یک زن، آن هم زن عرب خط ابطالی بر اندیشه های راکد عرب کشیده است. زن، همچون صدفی بسته است که رازی دارد و کمتر به بیان آن همت می‌گمارد اما شعرهای غاده السمان، با جسارت زنانه این راز را افشا می‌کند. (دهمرده، ۱۳۹۶:۵)

«رغم آن بشرتی بیضاء / الا انتی امراء زنجیه فی مفهوم معین / لأنی امرأه عربیه / کنت مءوده تحت رمال الجاهلیه / و فی عصر السیر علی القمر صحت / مئوده تحت رمال الاحتقار المتقله بالوراثه / و بالادانه المسبقه لی...» (غاده السمان، ۱۹۹۶:۸۳)

«با آنکه پوستم سپید است / به معنای من زنی زنگی و سیاهم / زیرا من زنی عربم .. / در زیر صحراهای جاهلیت / زنده به گور بوده ام / و در عصر راه رفتن بر سطح ماه / من همچنان زنده به گورم / در زیر ریگزارهای حقارت موروثی / و محکومیتی که پیش از من / صادر شده است.» (غاده السمان، ۱۳۸۷:۶۰)

غاده یکی از چهره های شاخص ادبیات عرب و نویسنده روشنفکر است که بسیاری از منتقدان عرب از خواندن آثارش شگفت انگیز شده و معتقدند آثار او زاینده تحولات اجتماعی است. او از مشکلات امروز جامعه عرب، مسأله فلسطین، زن عرب، استعمار در جهان سوم و ... درکی ژرف و عمیق دارد. وی سال های پر از دغدغه و آشوب بیروت را با تمام وجود لمس کرده است. بنیان و درون مایه‌ی رمان‌های معروف او یعنی "کابوس های بیروت" و "بیروت ۷۵" بازتاب این درد جان فرسای می باشد.

غاده السمان در اشعار و نوشته های خود، آزادی را حق انتخاب می‌داند حتی اگر این انتخاب، انتخاب بی قید و بند باشد او به سنت های جامعه‌ی عرب اعتراض میکند و تقابل سنت و مدرنیته در اشعار او دیده می‌شود. (دهمرده، ۱۳۹۶:۱۲)

لا أريد أن أكون مجرد «جینه» تائه من خلا یا أسلافی / لا تحمل غیر خصایصهم الوارثیه ... / لن أتصل من بذرتی الاولی، / لن أتفکر السلافی / و لحقیقه حضور هم فی کیانی و خلایای دمی / شرط أن أكون ذاتی قبل کل شیء ... / و عمری لن یکون تکراراً لهم، بل ابتکاراً شخصياً / لا دخولاً فی عبادہ جدی (غاده السمان ۱۹۹۹:۱۷۷)

نه! نمیخواهم تنها زنی باشم / سرگردان میان سلول های نیاکانم / که جز خصیصه های حیرانی آنان خیری را با خود نداشته باشم / و هرگز از نخستین بذر خویش / دست برندارم ... / نمیخواهم ... اما بدین شرط / که زندگی ام تکرار آنان نه / که آفرینشی از آن خویشتن خویشم باشد / و دیگر در زیر جبه نیایم به در نشوم. (غاده السمان، ۱۳۸۷:۴۰)

غاده در عرصه های مختلف ادبی فعالیت دارد. او در زمره مشهورترین شاعران سوریه و جهان عرب و یکی از بنیان گزاران شعر نو جهان عرب به شمار می‌رود. وی بیشتر به عنوان نویسنده مشهور است و حقیقت هم این است که پیش از آنکه شعر نوشته باشد داستان و رمان نوشته است در اینجا نیز به بیان اسامی دیگر آثار غاده به شعر و نثر اکتفا می‌کنیم:

۱- عیناک قدری (۱۹۶۲) چشمانت سرنوشت من است

۲- لا بحر فی بیروت (در بیروت دریایی نیست)

۳- لیل الغرباء (شام غربیان)

۴- حب (۱۹۷۳) عشق

۵- رسایل الحنین الی الیاسمین، غم نامه ای برای یاسمن‌ها (۱۹۶۶)

۶- بیروت ۷۵ (۱۹۷۵) و ...

بیروت ۷۵ نخستین رمان غاده السمان است که در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسید. وی این رمان را زمانی نوشت که چند مجموعه داستان چاپ کرده بود و چهره ای سرشناس در داستان کوتاه عربی به شمار می رفت. رمان بیرون ۷۵ از آثار برجسته ادبیات عرب است که به زبان اسپانیوی هم جایزه ملی اسپانیولی را به خود اختصاص داده است.

اولریش بک

اولریش بک جامعه شناس آلمانی شناخته شده ای است که در طول زندگی خود یکی از مشهورترین دانشمندان علوم اجتماعی در جهان بود. بک آلمانی تبار و از نظریه پردازان اجتماعی مدرنیته است. وی در سال ۱۹۴۴ در سوویک در لهستان متولد شد و دوران کودکی و نوجوانی را در هانوفر سپری کرد. وی تحصیلات دانشگاهی را با گرایش حقوق در فرایبورگ در سال ۱۹۶۶ آغاز کرد و از آن سال به بعد در مونیخ با بورس (بنیاد تحصیلی خلق آلمان) جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی و علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. بک در سال ۱۹۷۲ با درجه عالی از پایان نامه خود دفاع کرد و سپس فارغ التحصیل شد. و پس از اخذ درجه دکتری در دانشگاه مونیخ استخدام شد. بک در سال ۱۹۷۹ مجوز تدریس در دانشگاه را دریافت کرد و در همان سال بورسیه ی هاینبرگ شد. پس از کسب مجوز تدریس به عنوان استاد دانشگاه، در مونستر و سپس دانشگاه بامبرگ مشغول به فعالیت شد. وی در سال ۱۹۹۲ به عنوان استاد جامعه شناسی و پژوهشگر ممتاز دانشگاه ولز بود وی جوایز و افتخارات بین المللی بسیاری دریافت کرد. بسیاری از چیزهایی که بک نوشته است از دایره نشر دانشگاهی بیرون است جایگاه نوشته های او میان تحلیل علمی، دل آزرده گی و مداخله گری سیاسی است و به سادگی قابل تشخیص نیست که مخاطب او کیست. وی علاوه بر نوشته هایش آثار ارزشمندی را به چاپ رسانیده که مورد توجه علاقمندان زیادی قرار گرفته است از جمله کتاب «جامعه مخاطره آمیز» که او با انتشار این کتاب در سال ۱۹۸۶ یک شبه راه صد ساله را پیمود و فراتر از علوم اجتماعی شهرن زیادی پیدا کرد. این کتاب همزمان با رویداد انفجار نیروگاه هسته ای در چرنوبیل در شوروی منتشر شد و همین همزمان سبب استقبال گسترده و بازنگری سریع این اثر گردید. در اینجا نیز به بیان اسامی دیگر آثار بک کفایت می کنیم

- ۱- چشم انداز جهان وطنی (۲۰۰۶)
- ۲- جهانی شدن چیست (۱۹۹۹)
- ۳- فردی شدن: فردگرایی نهادی شده و پیامد اجتماعی و سیاسی آن (۲۰۰۲)
- ۴- جهان در مخاطره (۲۰۰۸)
- ۵- جامعه ی مخاطره آمیز جهانی (۱۹۹۸)
- ۶- اروپای جهان وطنی (۲۰۰۷)
- ۷- دموکراسی بدون دشمنان (۱۹۹۸)
- ۸- قدرت در عصر جهانی (۲۰۰۵)
- ۹- سیاست بوم شناختی در عصری از مخاطره (۱۹۹۵)

بک در اولین روز آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی بر اثر عارضه ی قلبی درگذشت.

آراء و اندیشه های اولریش بک

در این قسمت بانگامی جامع بر اندیشه های بک نظریات او را در باب جامعه نویسی مورد واکاوی قرار می دهیم. با توجه به اینکه هر نظریه پرداز تحت تأثیر و اندیشه و آراء دیگران است. بک ضمن این تأثیرپذیری، نوآوری ها و مفاهیمی را ساخته که قطعاً پس از مطالعه می توان به نو و بدیع بودن آنان پی برد.

اولریش بک یکی از حامیان رهیافت جهان وطنی به علوم اجتماعی است وی در کنار هیپرماس و نیکولای، یکی از سه جامعه شناس برجسته ی معاصر آلمان است. (ریترز، ۲۰۰۵: ۴۱)

وی در آلمان شهرت و وزنی برابر با آنتونی گیدنز در انگلیس دارد. (بک، ۱۳۸۸:۱۲)

نظریات او ترکیب دیدگاه‌های نظری اصیل است. کارهای او بازتاب دیدگاه‌های ماکس وبر است. وی دیدگاه‌ها و نظریات را مد نظر می‌گیرد اما همیشه عقاید خود را به عنوان راهنما در نظر دارد.

« نظریات اولریش بک، تفکری بنیادی را تنظیم می‌کند که ویژگی پیروزمندانه مدرنیته صنعتی بر پیامدهای جانب جهانی را پدید می‌آورد، پیامدهایی که بنیان تشکیلاتی و مشخصه‌های مدرنیته ملی - دولتی را به چالش کشیده و دگرگون می‌کند، تا بازار معاملات سیاسی را بگشایند. نظریات بک بی ارتباط با جامعه ایران و سیر تحولات آن نیست. از این رو معرفی بک و اندیشه‌های او می‌تواند برای جامعه شناسی ایرانی هم ضروری باشد. آشنایی با آراء و عقاید بک می‌تواند امکان ورود ما را به آنچه او را «شهروند جهان وطنی» می‌خواند فراهم کند، زیرا با روند کنونی جهانی و مخاطرات مختلف زیست محیطی و فناوریانه، این موضوع در کشور ما جدی گرفته نشده است. » (مسعودنیا، ۱۳۹۵:۳)

آنچه بیشتر مد نظر بک می‌باشد جامعه‌شناسی سیاسی و واکاوی آزاد شدن انسان از محیط اجتماعی - اخلاق گذشته و همچنین تأثیر جریان فردی شدن بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی است. بک یکی از نظریه پردازان مدرنیته انعطاف‌پذیر، مرگ طبقه، مرگ هویت‌های جمعی است و بر عنصر فردگرایی در عصر جدید تأکید دارد.

« مدرنیته، در اصطلاح عبارت است از نوعی حالت و کیفیت، ویژگی و تجربه مدرن یا دوره مدرن که بیانگر تازگی، براعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته، و ورود به «آینده‌ای» که در حال ظهور است می‌باشد و گستره آن با فکر یا ایده نوآوری، ابداع، ابتکار، تازگی، خلاقیت، پیشگامی، پیشرفت، ترقی، توسعه، رشد، تکامل، سلیقه و مد همراه است. » (نوذری، ۱۳۸۰:۱)

دردوره مدرنیته اندیشمندان از منظر تحلیل طبقاتی به جامعه نگاه می‌کنند.

« در واقع طبقه اجتماعی، مشتمل بر افرادی است که از پایگاه اجتماعی تقریباً یکسانی برخوردارند و از نظر رفاه و مزایای اقتصادی، وضعیتی مشابه دارند. » (علمی، ۱۳۸۸:۱۰۸)

بک از جمله جامعه‌شناسانی است که با اعلام مرگ طبقه در صدد به چالش کشیدن این فرا روایت رایج در جامعه‌شناختی قدر نیستی برآمده است. وی وجود هویت‌های جمعی از قبیل طبقات جنسیت و حتی خانواده‌های سنتی در مدرنیته انعطاف‌پذیر را رو به زوال می‌داند.

« در واقع بک بیشتر از همه به علت توسعه‌ی مفهوم جامعه مخاطره‌آمیز شناخته می‌شود. علاوه بر مفهوم مخاطره بک مفهوم فردی شدن، جهانی شدن، جهان وطنی شدن و «مدرنیته دوم» را مورد بررسی قرار می‌دهد. » (ریتز، ۲۰۰۵:۴۱)

« رشد ادبیات مربوط به پنداره‌هایی درباره‌ی "مخاطره و جامعه" در نظام جامعه‌شناختی، تا حد زیادی مدیون تأثیرات ژرف اولریش بک است. » (البوت و تونر، ۱۳۹۰:۵۳۷)

اولریش بک علاوه بر اینکه هویت جمعی و طبقه را در دوره معاصر رو به زوال می‌داند وی فردگرایی در عصر جدید را مورد بحث و کنکاش قرار می‌دهد.

« فرد و فردیت از دیدگاه‌های اساسی مدرنیته بوده و از قرن ۱۷، ساختارهای اجتماعی برای آزادی و استقلال فردی زیر سؤال رفته است. به تدریج زندگی اجتماعی به شکل "ما" (یعنی خانواده‌ی گسترده) که ویژگی جامعه فئودالی بود. جای خود را به «من» داد و خانواده‌ها شکل هسته‌ای به خود گرفتند. از سوی دیگر، تأثیر کلیسا و مذهب به حوزه‌ی خصوصی و شخصی افراد محدود گردید در مقابل، افراد به نهادها و انجمن‌های داوطلبانه‌ی غیر شخصی که بر حسب قواعد و به صورت تخصصی و متشکل از افراد اغلب ناآشنا اداره می‌شدند روی آوردند. » (قاسمی، ۱۳۸۸:۳۵)

« فردی شدن مبین یک سازمان اجتماعی است که کاملاً از جوامع پیش سرمایه‌داری مبتنی بر روابط اجتماعی جمعی و تحت سلطه اثرات جدا شده است فردی شدن به بیگانگی و تنهایی دلالت نمی‌کند بلکه به معنای این الزام در مدرنیته متأخر است که افراد در غیاب یقین‌ها و هنجارهای سنتی ثابت و الزام آور و ظهور و شیوه‌های جدید زندگی که پیوسته در معرض تغییر است باید خود زندگی‌نامه خود را خلق کند. » (بک ، ۱۹۹۴:۱۳)

بر اساس عنصر فردگرایی بک شخص ممکن است آزادی‌های نوینی به همراه داشته باشد اما این آزادی مسئولیت‌های جدیدی را نیز به همراه دارد . در این مقوله دستاوردها و ناکامی‌های فردی تنها به عهده‌ی خود فرد است و مخاطرات جدیدی به دنبال دارد .

« مردم هر روز بیشتر از دیروز مجبورند تا زندگی و هویت‌های خاص خودشان را از گزینه‌های گوناگون در دسترس انتخاب کنند . آنها شیوه‌های زندگی خود را بدون حمایت افراد و گروه‌های دیگر و تنها بر اساس توانایی‌های خویش در میان نظام‌های اجتماعی مخاطره‌آمیز هدایت می‌کنند . » (اولریش بک ، ۱۹۹۲:۹۰)

بک در این راستا ادامه می‌دهد « مردم به این خاطر در فقر قرار می‌گیرند که در مراحل مختلف زندگی‌شان خرد و شعور متفاوتی دارند و این امر موقتاً منجر به ایجاد ثروتمند و فقیر ، کارفرمایان و کارگران یدی می‌شوند . بنابراین نمی‌توان به راحتی گفت که افراد درون چارچوب طبقاتی سفت و سخت و کاملاً ایستا قرار دارند . بلکه آنها موقعیت‌ها و جایگاه‌های مبهم و دوگانه‌ای را اشغال می‌کنند که دائماً در حال تغییرند . » (بک ، ۲۰۰۲:۱۵۱)

بنابراین دیدگاه‌ها در عصر فردگرایی همچنان که آرمان‌های مشترک کنار گذاشته می‌شد ، احکام اخلاقی نیز پشتوانه خود را بیش از پیش از دست می‌دهد و آزادی فردی را به کانال‌هایی هدایت می‌کند و آزادی‌های نوینی را به همراه دارد و این آزادی به مفهوم سنتی آن تلقی نمی‌شود. از این رو گسترش آزادی به مفهوم فردگرایانه آن یعنی گسترش « فضای آزاد » فرد می‌تواند با سلب اعتماد همراه باشد .

خلاصه رمان بیروت ۷۵

بیروت ۷۵ نخستین رمان غاده السمان است که در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسید . غاده السمان در این رمان بیروت را در یکی از بزنگاه‌های تاریخ معاصر لبنان و خاورمیانه به تصویر می‌کشد . سال ۱۹۷۵ سالی است که جنگ داخلی و خانمان برانداز لبنان آغاز می‌شود . جنگی که پانزده سال این کشور را به خاک و خون کشید . غاده السمان بیروت را در ماه‌های پیش از شروع جنگ به تصویر می‌کشد . بیروتی که اختلاف طبقاتی ، فقر و تعصبات قبیله‌ای انباری از باروت از آن ساخته که مردم بیم ترکیدنش می‌رود . بر همین اساس بسیاری از سخن‌سنجان عرب رمان بیروت ۷۵ را پیشگویی جنگ داخلی لبنان دانسته‌اند . غاده السمان خود در رمان از به خون کشیده شدن بیروت در آینده‌ای نه چندان دور خبر می‌دهد.

رویدادهای بیروت ۷۵ حول پنج شخصیت می‌گردد . فرح ، یاسمین ، طعان ، ابو مصطفی و ابوملاء که از جامعه به سرعت در حال تغییر عرب باز نمائی‌کنند. آنها به سرزمین مادری خود پشت کرده و هر یک به امیدی راه شهر پر زرق و برق بیروت را درپیش گرفته‌اند و تک تک شان در بیروت دچار سرنوشتی شوم می‌شوند از نگاه غاده السمان ، بیروت همانند همه‌ی شهرهای بزرگ دنیا بهشت فراستان است و دوزخ فرودستان .

فرح و یاسمین که به طور تصادفی در اتومبیلی که راهی بیروت است آشنا میشوند محور اصلی رمان، این دو شخصیت هستند و سرنوشتی شوم در بیروت برایشان رقم خورده است .

یاسمین دختر جوان در دمشق در حصار عقاید خانوادگی اسیر بوده و به بیروت می‌آید و این شهر را مهد آزادی می‌بیند وی به عنوان یک زن عرب خواهان تغییر زندگی‌اش در جامعه‌ی عرب است اما هم هویت تاریخی خود و هم هویت اجتماعی‌اش را به فراموشی می‌سپارد . او پایگاه طبقاتی و جنسیتی‌اش را در جامعه‌ی مردسالار عربی نادیده می‌گیرد و در عشق نمر پسر

یکی از ثروتمندان که نامزد نمایندگی مجلس است می افتد غافل از اینکه نمر او را بازیچه خود قرار داده و به خاطر مصالح انتخاباتی پدرش یاسمینه را کنار گذاشته و یاسمینه در زندگیش جایگاهی ندارد و تن به ازدواج با دختر رقیب سیاسی پدرش می دهد .

یاسمینه بعد از تصمیم نمر باید انتخاب می کرد یا عاشقی شکست خورده یا یک زن هرزه ی موفق . و در انتها چاره ای جز برگشت به زندگی قبلیش نداشت . ولی متأسفانه برادر او را نپذیرفت و خواهر را بخاطر هرزه گی هایش به قتل رساند. یاسمینه قربانی قساوت و سنگدلی نمر که توحش اش در پی نقاب زیبا پنهان ساخته می گردد .

*فرح جوان روستایی اهل سوریه که در شرایط سخت زندگی می کرد و به امید ثروت و سرشناس شدن به بیروت پا گذاشته غافل از اینکه شهر آمال و آرزوهایش همان هنگام تقدیر خونبار و غم انگیزی را تدارک دیده است که به نشانه هایی آشکار می کند و او این هشدارها را در می یابد . فرح بیروت را شهری سنگدل می بیند که از گوشه و کنار صدای شیون و زاری به گوش می رسد . « چه سنگدل هستند هر جای این شهر شگفت که پا می گذارم سنگدلی سختی سر راهش سبز می شود . مدام از گوشه و کنار شهر صدای گریه های بلندی می شنود که در و دیوار شهر تکرارشان می کند . از همان شب اول که پا به این شهر گذاشت شیون غریبی سر در پی اش گذاشته و در سینه اش جا خوش کرده است . » (غاده السمان ، ۱۳۹۳: ۲۱) فرح با دلی آکنده از بیم و امید و وحشت از رخدادهایی که از اتفاق هولناکی خبر می دهند خود را همانند ماهی کوچکی در بساط دستفروش می بیند که در نایلون پر از آب شنا می کند اما بیهوده خود را به در و دیوار می کوبد تا راهی برای فرار بیابد اما برای گریز راهی نیست . فرح در این شهر پرزرق و برق حوادث زیادی را پشت سر گذاشته و در مدت کوتاهی صاحب شهرت و آوازه شد و تا حدی به خواسته هایش رسید اما در انتها به بن بست همان ماهی شناور در *این نام مردانه است.

آب داخل کیسه بساط دستفروش رسید که راهی برای گریز از آرزوهای عبث و بیهوده اش نداشت فرح در تیمارستان بستری شد و به رویای شهرت و ثروت را با جنونش می پردازد و مدتی را در آنجا سپری نمود و در آنجا با کابوس های خود روز را به شب می رساند . « این زمستان دراز هرگز به سر نمی رسد . نمی دانم از کی به کنج مخفیگاه خزیده ام . می دانم آن ها همه جا دنبال خواهند گشت . اگر پیدایم کنند مرا کتک می زنند .

فرح دیگر حال و هوای بیروت را از سر گذرانده و فقط آرزو داشت از تیمارستان بگریزد و به دمشق برگردد و در کنار پدر مشغول به کار شود و از این سرنوشت شوم رهایی یابد. « آه به بیروت که آمدم ، قد و بالایم بلند تر از شب بود سرتاسر دریا هم کوچک تر از آن بود که بستم شود . چادر تاریکی که با ستاره ها سوراخ سوراخ شده بود تنگ تر از آن بود که سوداهایم را در بر بگیرد . همه ی کافه های این شهر سیرم نمی کردند . روزنامه هایش غرورم را امتناع نمی کردند . آه ببین چگونه چند پاره و پراکنده شدم و امروز در مخفیگاه حقیرم پشت خرده ریزها ، تکه پاره های خودم را بر می دارم بیروت از پیش چشمم کنار رفته و مرا مثل یک گوش ماهی تو خالی به ساحل تف کرده است . پیوسته صدایی می شنوم که در من زار می زند . صدایی مثل صدای گوش ماهی . آه بیروت ! چه شد ، چه شد ، چه شد ؟!

فرح از تیمارستان گریخت و راهی سرزمین مادریش دمشق شد .

طعان که در رشته داروسازی تحصیل کرده و برای گشایش داروخانه به شهر خود بازمی گردد و پس از بازگشت در می یابد که پسر عمویش فرد تحصیل کرده ای را از قبیله ای دیگر کشته است و بخاطر عقاید خرافی قبیله ای که به انتقام خون خواهی آن شخص تحصیل کرده باید فرد تحصیل کرده ای از قبیله قاتل کشته شود و دست بر قضا طعان به خون خواهی آن شخص چون

اولین کسی است که مدرکش را اخذ نموده محکوم به مرگ می‌شود. طعان جوانی که برای فرار از سرنوشت شومی که سنت های دست و پا گیر قومی برایش رقم زده بود بیروت را برگزیده است.

وی در آنجا بخاطر عقاید خرافی قبیله ای که به انتقام خون یکی از اعضای قبیله را می‌کشند و دست بر قضا طعان به خون خواهی آن شخص باید کشته شود دچار وهم و هراس می‌شود و این تردید و هراس همیشه همراه اوست تا اینکه شخصی را به خیال اینکه او را تعقیب می‌کند به قتل می‌رساند و عقاید خرافی باعث می‌شود با دست های خود مردی را بکشد که تا آن لحظه چشمش به او نیفتاده بود و عاقبت بخاطر جرمی که مرتکب شده ناخواسته به پای چوبه دار کشیده خواهد شد.

ابومصطفی دیگر شخصیت داستان، صیاد فقیر خیال باف که سی سال آزرگار هر شب برای ماهیگیری از خانه بیرون می‌رود و توان کار را ندارد اما متأسفانه خودش طعمه ی دریا می‌شود و پیکر بی جان و تکه تکه اش در تور ماهیگیری که قرار بود روزی چراغ جادو در آن گیر کند، در لا به لای گره های تور پدیدار می‌شود.

ابو ملاء که نگهبان موزه است و به علت فقر و تنگدستی و بیماری قلبی مجبور شده بود دختر خود را به کنیزی کاخ حازمیه ببرد. و مزد کارگری پسرانش کفاف نان بخور و نمیری را هم نمی‌داد. تصمیم گرفت تندیس را از موزه بردارد و با فروش آن دخترانش را از کاخ حازمیه برگرداند و به زندگی اش سر و سامان دهد اما بعد از ربودن تندیس بخاطر هول و هراسی که به قلب مریضش چیره شد طاقت نیاورد و جان سپرد. از این رو بجای آن که او را که عاشق و دلباخته واقعی او بود برای خود نگه دارد با خود به شهر برهنگی برد و به دیگری سپرد و این یعنی پایان!

غاده السمان در بیروت ۷۵ با زبانی شاعرانه و به کارگیری عناصر سورئالیستی و قرار دادن آنها در کنار روایت رئالیستی داستان چالش ها و تعارضات جامعه سنتی و به ظاهر مدرن عربی را ترسیم کرده است چالش ها و تعارضاتی که به وضوح بیانگر علت وقوع جنگ داخلی در این کشور است.

تحلیل رمان بیروت ۷۵ بر اساس نظریه اولریش بک

رمان بیروت ۷۵ بیانگر سرگذشت ۵ شخصیت است که دو شخصیت آن نقش اصلی را بر عهده داشته و به عنوان قهرمان داستان ایفای نقش می‌کنند.

فرح و یاسمینه قهرمانان داستان که نقاب هایی هستند که غاده از پشت آنها قصه اش را روایت کرده و از خلال آن رویاهای خود را بازگو می‌کند. در کنار این دو شخصیت افراد دیگری هستند که نقش های ثانویه بر عهده دارند شخصیت هایی همچون طعان، ابو مصطفی و ابو ملاء. البته این بدان معنی نیست که شخصیت ها از هم جدا بوده بلکه بین تمام شخصیت های رمان رابطه ای برقرار است و بین آنها نوعی وحدت پدیدار می‌آید و در انتهای رمان هر کدام به سوی سرنوشت خویش که به هم بی شباهت نیست راهی می‌شوند.

در مقاله حاضر شخصیت های رمان با تکیه بر نظریه اولریش بک و اصل فردگرایی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

یاسمینه

یاسمینه: قهرمان زن رمان که راهبه است و در ضمن به شعر و شاعری هم علاقه دارد وی از رابطه با جنس مخالف خود بخاطر شرایط کاری ممنوع شده و به دنبال آزادی است. راهبه ها زنانی تارک دنیا و به دور از اجتماع از مردم عادی زندگی می‌کنند و در حصار صومعه اوقات فراغت خود را صرف شعر و شاعری می‌نمایند. وی بخاطر این شرایط خاص زندگی می‌خواهد به بیروت سفر نموده و به آرزوهای خود جامه عمل بپوشاند.

یاسمینه علاوه بر آزادی در پی ثروت و شهرت به بیروت سفر می‌کند زیرا وی خانواده ای فقیر است و بخاطر فقر و تنگدستی به صومعه راهبه ها پناه برده بود و در حصار قوانین خشک و سخت آنجا اسیر شده بود و بخاطر فرار از این مصائب و موانع تصمیم به ترک سرزمین مادریش نمی‌کند وی طبق نظریه اندیشمندان فردگرایی از جمله اولریش بک که معتقد به اصل فردگرایی

می باشند و معتقدند زندگی اجتماعی به شکل ما که ویژگی جامعه فئودالی بود جای خود را به من داد و خانواده ها شکل هسته ای به خود گرفتند از سوی دیگر تأثیر کلیسا و مذهب به حوزه خصوصی و شخصی افراد محدود گردید در مقابل افراد به نهادها و انجمن های داوطلبانه غیر شخصی روی می آورند .

وی بر همین اساس زندگی خانوادگی خود را رها کرده و خود به تنهایی تصمیم به ادامه زندگی دور از محیط خانواده سستی خود می گیرد و بر اساس عنصر فردگرایی اولریش بک خواهان آزادشدن از محیط اخلاقی گذشته و به دنبال آزادی های خویش در شهر پر زرق و برق بیروت است .

اولریش بک معتقد است فردگرایی که آزادی های نوینی را به همراه دارد این آزادی مسئولیت های جدیدی را نیز به همراه دارد یعنی آزادی باید کنترل شده و هدفدار باشد در این مقوله دستاوردها و ناکامی های فردی به عهده خود فرد است و مخاطرات جدیدی به دنبال دارد . یاسمینه بارسیدن به آزادی نوین نتوانست خود را کنترل نماید و این آزادی های بی حد و مرز وی را دچار بی بند و باری و فساد نمود و آزادی های بی قید و شرطش باعث بوجود آمدن مخاطراتی برای وی شد و دچار سرنوشتی شوم شد و برادرش بخاطر اشتباهات جبران ناپذیر خواهر ، وی را اصلاح ناپذیر می بیند و به زندگی پایان می دهد و او را به قتل می رساند .

فرح

فرح : شخصیت اصلی داستان که داستان با او شروع و به پایان می رسد . وی در روستای دوما در دمشق زندگی می کرد . فرح در کتابخانه ملی شاغل بود و عاشق کتاب و تحصیل بود اما پدرش عاشوری مانع از این کار او بود او برای رسیدن به آرزوهایش ، شهرت و ثروت ، عازم بیروت می شود . وی در ابتدای ورود به بیروت دچار رعب و وحشت می شود ، این وحشت و هراس همیشه همراه اوست . وی طبق نظریات اولریش بک در پی آزادشدن از محیط اجتماعی - اخلاقی گذشته است . بر اساس نظریات بک افراد در غیاب ؟ و هنجارهای سنتی ؟ و الزام آور و ظهور و شیوه های جدید زندگی که پیوسته در معرض تغییر است باید خود زندگی نامه خود را خلق کند .

فرح در بیروت در پی هدفش ثروت و شهرت برای شروع زندگی جدید دست به کار می شود و نزد ؟ که از آشنایان پدرش بود و صاحب شهرت و ثروت است می رود . ؟ در ازای رسیدن به مال و شهرت از فرح اطاعت مطلق می خواهد . فرح هم برای رسیدن به ثروت تن به هر کاری همچون روابط نامشروع ، ترک عقاید دینی و زیاده روی در مصرف مشروبات الکلی و ... می دهد .

اولریش بک معتقد است طبق عنصر فردگرایی شخص ممکن است آزادی های نوینی به همراه داشته باشد اما این آزادی مسئولیتهایی برای وی به همراه دارد و این آزادی ممکن است ناکامی ها و خطراتی را به دنبال داشته باشد و افراد باید خود شیوه درست زندگی را انتخاب کنند و بر اساس توانایی های خویش در میان نظام های اجتماعی مخاطره آمیز آن را هدایت نمایند .

اما فرح متأسفانه نتوانست آزادی های خود را کنترل نماید و زندگی جدید را هدفمند و با انتخاب درست هدایت نماید و این سبک زندگی وی را دچار آسیب های فراوانی نمود . وی را از مسیر اصلی زندگی خویش دور کرد و سرنوشتی غیر قابل جبران را برایش بوجود آورد . وی بخاطر مصرف بیش از حد مشروبات الکلی دچار جنون و دیوانگی شد و راهی تیمارستان شد و مدتی را در آنجا غرق در افکار خود سپری نمود و حسرت روزهای گذشته را در خاطرات خود مرور می کند و به دنبال راهی برای گریز و جبران زندگی از دست رفته خود بود .

طعان

طعان جوان لبنانی که در رشته داروسازی تحصیلات خود را به پایان رسانده است. وی به لبنان بر می‌گردد تا در آن جا داروخانه‌ای را افتتاح نماید اما در ابتدای ورود به بیروت با لشکرکشی قبیله‌ای مواجه می‌شود که خواهان کشتن او هستند. حال آنکه او مرتکب گناهی نشده جز آن که به تحصیلاتش ادامه داده است از این رو فرار کرده و در اماکن عمومی ظاهر نمی‌شود. طعان بخاطر عقاید خرافی قبیله‌ای که به انتقام خون یکی از اعضا و قبیله مقابل باید کشته شود زندگی آرام و بدون دغدغه اش دچار آشوب می‌شود. وی همیشه در ترس و اضطراب می‌باشد. طعان بدون آنکه بفهمد عابری که به قصد پرسش آدرس در پی او بود و او را دنبال می‌کرد به توهم اینکه در تعقیب اوست و قصد جان او را کرده است وی را به قتل می‌رساند. طبق نظریات اولریش بک انسان در عصر جدید خواهان آزاد شدن از محیط اجتماعی گذشته خویش است اما این انتخاب باید آگاهانه باید و طعان متأسفانه برای فرار از سنت های قبیله‌ای به جای انتخاب درست خود را در ادامه عقاید خرافی و سنتی دست و پا گیر قبیله‌ای انداخت و عاقبت به جرم قتل به چوبه دار آویخته می‌شود.

ابو مصطفی

ابومصطفی صیاد فقیر که سی سال به صید می‌پردازد تن او از کار مداوم بیمار گشته و دیگر توان ادامه کار را ندارد وی در صید انگشتان خود را از دست داده و دائماً در خیال و اوهام چراغ جادو زندگیش را سپری می‌کند. اولریش بک معتقد است که مردم به این خاطر در فقر قرار می‌گیرند که در مراحل مختلف زندگی شان خرد و شعور متفاوتی دارند و این امر موقتاً منجر به ایجاد ثروتمند و فقیر، کارفرمایان و کارگران یدی می‌شوند. ابومصطفی ماهیگیر متأسفانه بخاطر خیال پردازی و اوهام بیش از حد به جای اینکه اوهام و خرافات را از خود دور نماید و به زندگی ساده خود بدون دغدغه و نگرانی ادامه دهد متأسفانه برای رسیدن به آرزوهای خرافی خود در پی دست یافتن به چراغ جادو با؟ برای صید به دریا می‌زند و در رسیدن به این هدف ناکام مانده و جان خود را از دست می‌دهد.

ابو ملاء

ابوملاء مرد فقیریست که در سایت حفاری به عنوان نگهبان مشغول به کار است و در حلبی آبادها سکونت دارد. فقر و تنگدستی ابوملاء را مجبور ساخت که دختران خویش را به عنوان خدمه به قصر حازمیه بفرستد. وی پس از مدتی برای دست یابی به زندگی بهتر و بازگرداندن دخترانش تصمیم به سرقت مجسمه از موزه آثار باستانی می‌زند. در این راستا شخصی او را وادار به این کار نموده و به او قول داده در ازای سرقت مجسمه پول هنگفتی به او خواهد داد تا او بتواند دخترانش را آزاد و زندگیش را سر و سامان دهد و طبق نظریات اولریش بک که مردم هر روز بیشتر از دیروز مجبورند تا زندگی و هویت های خاص خودشان را گزینه های گوناگون درست انتخاب کنند متأسفانه ابوملاء طمع کار دچار وسوسه ثروت شده و با سرقت مجسمه سرنوشت خویش را تغییر می‌دهد و از هول و هراس سرقت، قلب بیمارش طاقت نمی‌آورد و در پایان ابوملاء در اثر سگته قلبی می‌میرد و از آزاد ساختن دخترانش باز می‌ماند.

نتیجه گیری

در این مقاله رمان بیروت ۷۵ طبق دیدگاه « اولریش بک » براساس اصل فردگرایی و زوال هویت های جمعی و سنتی نقد و بررسی شد.

شخصیت های این رمان « فرح، یاسمینه، ابومصطفی، ابوملاء و طعان » طبق نظریات اولریش بک مورد ارزیابی قرار گرفتند که اگر هر کدام از این شخصیت ها با تجربه ای صحیح عملکردی آگاهانه داشتند آمال و آرزوهایشان تبدیل به یقین می‌شد اما متأسفانه هر کدام بر اساس انتخابی نادرست سرنوشت خود را دگرگون ساخته و ناآگاهانه تصمیم به عملکردی ناشایست زده و در پایان دچار سرنوشتی شوم شدند و از مسیر اصلی هدف خود جدا گشته و دیگر راهی برای برگشت به زندگی و جبران اشتباهات نداشتند.

در این رمان، غرب گرایی، آزادی جنسی، تضاد طبقاتی و حضور پررنگ ارزش های سنتی قابل توجه است. بیروت ۷۵ رمانی جذاب است که خواننده را تا آخر با خود همراه می کند.

فهرست منابع:

- ۱- الیوت، آنتونی و برایان ترنر (۱۳۹۰). برداشت هایی در نظریه ی اجتماعی معاصر، ترجمه ی فرهنگ ارشاد، تهران، انتشارات جامعه شناسان
- ۲- بک، اولریش (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه ی محمد رضا مهدی زاده، تهران، انتشارات کویر
- ۳- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران، علمی
- ۴- محمد علی (۱۳۸۸). "جامعه ی ریسک و اهمیت آن برای جامعه ی مخاطره آمیز" فصلنامه ی مطالعات راهبردی، سال دوازده
- ۵- مسعود نیا، حسین و رضا محمود اغلی (۱۳۹۵) نقدی بر جایگاه طبقه در مدرنیته انعطاف پذیر " اولریش بک " فصلنامه علمی - پژوهشی « پژوهش سیاست، شماره نوزدهم » (صص ۱۶۳-۱۹۷)
- ۶- دهمرده، حیدر علی مریم اشرفی (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی نگاه زنانه سیمین دانشور و غاده السمان فصلنامه علمی - پژوهشی، سال ۹، شماره ۱۷ - صص ۶۱-۷۸
- ۷- حاجی زاده، مهین و محدثه ابهن (۱۳۹۲) تحلیل ساختاری شخصیت های رمان " بیروت ۷۵" غاده السمان، براساس نظریه کنشی گریمای فصلنامه علمی - پژوهشی. نقد ادب معاصر عربی، سال سوم. صص ۵۶-۷۸
- ۸- گورویچ ژرژ (۱۳۵۷) مطالعه درباره ی طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی
- ۹- ابادری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱) «از طبقه ی اجتماعی تا سبک زندگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۳-۲۷
- ۱۰- ربانی، رسول و حامد شیری (۱۳۸۸) «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، صص ۲۰۹-۲۴۹
- ۱۱- علمی، محمود (۱۳۸۸) «گرایش ها و اولویت های ارزشی دانشجویان و رابطه ی آن با طبقه اجتماعی»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، صص ۱۰۷-۱۳۲
- ۱۲- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۸) «جامعه ی ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۲۷-۴۶
- ۱۳- کوئن، بروس (۱۳۸۳) درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر.
- ۱۴- غاده السمان (۱۹۹۶م). رسائل الحنین الی الیاسمین. بیروت: منشورات غاده السمان.
- ۱۵- غاده السمان (۱۹۹۹م) الابدیه لحظه حب. بیروت: منشورات غاده السمان.
- ۱۶- غاده السمان (۱۳۸۷). ابدیت، لحظه ی عشق. ترجمه ی عبدالحسین فرزاد. چاپ سوم. تهران: چشمه.
- ۱۷- غاده السمان (۱۳۹۳) بیروت ۷۵- ترجمه آقاجانی - چاپ پنجم، تهران، نشر ماهی